فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال نهم، شماره دوم (پیاپی ۳۲)، تابستان ۱۳۹۹
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
صفحات ۶۴-۴۳

نقش مدیریت محلی در ارتقای سرمایه اجتماعی و مشارکت روستاییان دراقتصاد روستایی مورد: شهرستان بانه

لاوین رمضانی؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
بیژن رحمانی*؛ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
ناصر شفیعی ثابت؛ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۱۸ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۵/۱۱

چکیده

پژوهش حاضر به واکاوی جایگاه عملکرد درونی مدیریت محلی در ارتقای سرمایه اجتماعی و بهبود مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های محیطی- اکولوژیکی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و کالبدی- فضایی، در فراگرد توسعه اقتصاد روستایی در شهرستان بانه پرداخته است. این پژوهش به روش کمی و پیمایشی و مبتنی بر ابزار پرسشنامه در ۳۵۰ خانوار و در ۳۰ روستای نمونه تصادفی انجام شده است. یافته‌ها نشان می-دهد که رابطه معنادار بین شاخص‌های مقوله اثرگذار و اثرپذیر وجود دارد و نامناسب بودن جایگاه شاخص‌های عملکرد درونی مدیریت محلی را در ارتقای سرمایه اجتماعی، بهبود مشارکت ذی‌نفعان محلی در فراگرد توسعه اقتصاد روستایی آشکار ساخت. به سخن دیگر، با این که "سرمایه اجتماعی و مشارکت مولد و فعالانه" ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی، تضمین‌کننده پایداری اقتصادی و توسعه اقتصادی روستاهاست، لیکن عملکرد درونی مدیریت محلی مبتنی بر رویکرد «حکومت‌محور» و از « بالا به پایین» موجب سرمایه اجتماعی و مشارکت نامولد و منفعلانه در محدوده مورد مطالعه شده و نتوانسته زمینه‌های ارتقای آگاهی اجتماعی، انسجام اجتماعی، تشکل اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی و بهبود مشارکت اجتماعی ذی‌نفعان محلی را در طرح‌ها و برنامه‌ها، در توسعه اقتصادی روستاها فراهم آورد. بنابراین نیازمند تغییر و اصلاح رویکرد حاکم بر نظام مدیریت روستایی و گذار از وضعیت مدیریت آمرانه و تمرکزگرایانه به مدیریت مشارکتی و تمرکززدا و توجه به عوامل تسهیل‌کننده عملکرد درونی مدیریت محلی همچون: افزایش سطح آگاهی و دانش، تقویت انگیزه و حس تعلق مکانی، افزایش میزان رضایت و تقویت امنیت شغلی مدیران محلی، تقویت حس مسئولیت‌پذیری، در راستای ارتقای سرمایه اجتماعی و بهبود مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی، در فرآیند توسعه اقتصاد روستایی است.

واژگان کلیدی: مدیریت محلی، سرمایه اجتماعی، مشارکت، اقتصاد روستایی، شهرستان بانه.

*bijan.rahmani11@gmail.com

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]

۱) مقدمه

مدیریت محلی، به عنوان نزدیک‌ترین لایه دولت به مردم (Ibietan, 2010: 30)، نقش مهمی در توسعه اقتصاد روستایی بر عهده دارد (Pugalis & Tan, 2017: 9). بر این مبنا، قابلیت‌های فردی و درونی نهادهای مدیریتی و تأثیرات آن بر بهبود عملکرد آنها، در حفظ و ایجاد سرمایه اجتماعی از طریق افزایش آگاهی اجتماعی، انسجام اجتماعی، روابط متقابل و شبکه‌های اجتماعی، اعتمادسازی و جلب مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی روستاها ضروری قلمداد شده است (Barkin, 2000: 46). به سخن دیگر، سرمایه اجتماعی، به مثابه مجموعه‌ای از هنجارها، روابط و شبکه‌هایی است که افراد را قادر می‌سازد به صورت جمعی عمل کنند و بر اساس نظریه‌های درون‌زا توسعه منطقه‌ای، عامل مهمی در توسعه اقتصادی محلی و جامعه قلمداد شده است (Svihlova & Kubisova, 2014: 287). به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی هم فرآیند توسعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم از فرآیند توسعه تأثیر می‌پذیرد (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۸). لذا به طور فزاینده‌ای با عملکرد مدیریت محلی و پایداری اقتصادی روستاها در ارتباط است. بر این اساس، نهادهای مدیریتی ابزار سیاسی ذی‌نفعان محلی، برای افزایش آگاهی اجتماعی، اعتماد و جلب مشارکت آنها در تخصیص منابع، توزیع و کسب قدرت بوده (Ibietan, 2010: 30) و به منزله یک هنجار در برنامه‌های توسعه اقتصادی روستاها شناخته شده است (Lazaro & Thery, 2019: 256). بر اساس ادبیات موضوع، شرایط سنی و مهارت‌های بومی نهادهای مدیریتی محلی در اجرای طرح‌ها و برنامه‌های عملیاتی مرتبط با توسعه روستا، امنیت و رضایت شغلی آن‌ها از میزان درآمد و عواید شخصی در مقابل تعهداتشان، میزان تحصیلات و سطح دانش و آگاهی آنها از شرح وظایف و تکالیف مدیریتی، تعهد سازمانی، انگیزش و استرس شغلی و ... در قالب پیشگویی‌کننده‌های اصلی، باعث بهبود عملکرد شغلی مدیریت محلی شده (Illies, 2003; Horlings et al, 2013)؛ و زمینه‌های لازم را برای ارتقای سرمایه اجتماعی و مشارکت فعالانه ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی روستا فرآهم می‌سازد. به سخن دیگر، قابلیت‌های درونی- فردی و سبک و رویکرد مدیریت محلی در ارتقای سرمایه اجتماعی، باعث شتاب بخشی به مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی شده و نقش مهمی در فرآیند توسعه پایدار اقتصادی روستاها دارد (Barkin, 2000: 46). طی چندین دهه گذشته، الگوهای مدیریتی حاکم بر توسعه اقتصادی روستاها، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه (همچون ایران)، عمدتاً "حکومت‌محور" و از "بالا به پایین" بوده و دولت نقش سرمایه اجتماعی و مشارکت ذی‌نفعان محلی و هسته‌های خط‌دهنده را در طرح‌ها و برنامه‌های عملیاتی، در پایین‌ترین سطح قرار داده است (Chakrabarty, 2001: 336). به دنبال عدم توفیق و ناکارآمدی طرح‌ها و برنامه‌های عملیاتی متأثر از رویکردهای آمرانه و تمرکزگرایانه، از دهه ۱۹۹۰ میلادی، رویکرد مدیریت مشارکتی، در تقابل با رویکردهای از «بالا به پایین»، به عنوان ابزاری برای افزایش سرمایه اجتماعی، بهبود مشارکت مردم و ضمانت اجرایی پروژه‌ها و طرح‌های عملیاتی مطرح شد (Chilima et al, 2002). از این رو مشارکت ذی‌نفعان محلی در فعالیت‌های داوطلبانه و برنامه‌های عمرانی، کلید اصلی ایجاد سرمایه اجتماعی در میان جوامع بوده و نه تنها یک مسئله اخلاقی تلقی شده،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]

بلکه ارزش‌های انسان‌محور بودن طرح‌ها و برنامه‌ها را نیز در فرآیند توسعه اقتصاد روستاها منعکس می‌کند (Usadolo & Caldwel, 2016). مشارکت ذی‌نفعان محلی، بسته به ساختار قدرت، می‌تواند به صورت «مولد*» (مشارکت فعالانه) و یا «نامولد†» (مشارکت منفعلانه) بروز نمایـد. از این رو هرچه میزان آگاهی اجتماعی، اعتماد، انسجام و همگرایی و مشارکت اجتماعی ذی‌نفعان محلی بالا باشد، کیفیت عملکرد مدیریت محلی نیز در پایداری اقتصاد روستاها بالا خواهد رفت (Kuchler, 2015).

در این راستا، چگونگی ارتقای سرمایه اجتماعی و بهبود مشارکت ذی‌نفعان محلی توسط مدیریت محلی در فراگرد توسعه اقتصاد روستاها، پرسشی است که می‌توان پاسخ آن را در هر منطقه از جمله ناحیه مورد مطالعه پژوهش حاضر جستجو کرد. بنابراین اهمیت موضوع ایجاب می‌کند تا شناخت علمی به مسئله نقش مدیریت محلی در ارتقای سرمایه اجتماعی و بهبود مشارکت ذی‌نفعان محلی بدست آورد. بنابراین مسئله اصلی این است که عملکرد مدیریت محلی چگونه در ارتقای سرمایه اجتماعی و بهبود مشارکت ذی‌نفعان محلی در فراگرد توسعه اقتصاد روستایی اثر گذار است؟ در راستای مسئله اصلی، سوال فرعی مقاله به این شرح است:

عملکرد مدیریت محلی چگونه در بهبود ابعاد سرمایه اجتماعی اثرگذار است؟ سرمایه اجتماعی چگونه در بهبود مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌ها توسعه روستایی اثرگذار است؟ مشارکت ذی-نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی چگونه در توسعه اقتصاد روستاها اثرگذار است؟

۲) مبانی نظری

مفهوم سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی مفهوم نوینی است که در دهه ۹۰ در بررسی‌های اجتماعی و اقتصادی مدرن مطرح شد و با کار اندیشمندانی چون پاتنام‡(۲۰۰۳، ۲۰۰۲، ۲۰۰۱، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۳) و فوکویاما§(۱۹۹۹، ۱۹۹۷) به اوج رسید و وام‌دار سه اندیشمند اصلی با نام‌های بوردیو، کلمن و پاتنام است (tashdemir et al, 2017: 52). بوردیو سرمایه اجتماعی را مجموعه منابع بالفعل و بالقوه‌ای می‌داند که با داشتن شبکه پایدار، مناسبات و روابط کم و بیش نهادی شده حاصل از آشنایی یا شناخت متقابل است (Bourdieu, 1986: 243). مفهوم سرمایه اجتماعی، از طریق آگاهی اجتماعی، انسجام اجتماعی، روابط متقابل و شبکه‌های اجتماعی و اعتماد اجتماعی، زمینه شکل‌پذیری نهادها، تشکل‌های اجتماعی و شراکت جمعی گروه‌های اجتماعی را فراهم می‌نماید. لذا دربرگیرنده اطلاعات، اعتماد و هنجارهایی از روابط متقابل در شبکه‌های اجتماعی است (Ferris et al, 2017: 6). بنابراین به مثابه یک کالای عمومی و دارایی جمعی تلقی شده که در بلندمدت انباشته شده و از طریق ارتقای کارآیی و ظرفیت افراد و گروه‌ها، توسعه را تسریع می‌نماید و در مقابل فقدان آن منجر به بروز محدودیت‌هایی در فرآیند توسعه در سطوح مختلف

*.Generative
†.Non-Generative
‡. Putnam
§. Fukuyama

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]

می‌شود (Patnam, 1995; Khanh, 2011).

مدیریت محلی و سرمایه اجتماعی

مدیریت محلی، فرآیندی است که با فراهم نمودن امکان فعالیت‌های مشارکتی برای ذی‌نفعان محلی، آنها را از طریق اقدام جمعی هماهنگ و مؤثر، برای دستیابی به اهداف معین و نیازهایشان، هدایت و سازماندهی می‌کند و پیوند اقتصادی، اجتماعی و محیطی فرآیندهای پایدار در روستاها را با خود به همراه دارد (Prof, 2004: 2). مدیریت محلی نوعی بهره‌گیری جامع، مولد و یکپارچه از سرمایه‌های اجتماعی، طبیعی و مالی در مقیاس‌های زمانی و جغرافیایی است. بر این اساس، سرمایه اجتماعی محلی می‌تواند تحت تأثیر سیاست‌های محلی، منطقه‌ای، ملی و یک مجموعه نهادی تحت عنوان مدیریت محلی باشد(Svihlova & Kubisova, 2014: 287). به سخن دیگر مدیریت محلی نقش اساسی در شکل‌گیری نگرش‌های مدنی و دموکراتیک دارد و ایجاد سرمایه اجتماعی و تقویت پیوندهای جامعه مدنی به عنوان یکی از بهترین راهکارها برای مقابله با چالش‌های جدید حاکمیت محلی شناخته شده است (Teles, 2012: 20-31). مدیریت محلی می‌تواند با تقویت مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه و مدیریت مشارکتی، تمرکززدایی قدرت و تغییر نقش از عاملی کنترل‌کننده به عاملی تسهیل‌گر، سرمایه اجتماعی ذی نفعان محلی را ارتقا دهد (Warner, 2001: 189).

آگاهی و سرمایه اجتماعی

آگاهی به مفهوم داشتن دانش و آگاه بودن از جهان و محیط اطراف خود و دیگران و چگونگی اثرگذاری محیط بر ما است که با فهم درک درستی از فعالیت‌های دیگران، زمینه فعالیت برای «خود» را فراهم می‌کند (Reinhardt et al, 2015: 17). به سخن دیگر، آگاهی به مفهوم صاحبِ فهمی از «خود» بودن و توانایی به‌کارگیری این فهم در تفکر در خصوص یک «خود» و به مفهوم درون‌یابی است. بنابراین یک عنصر اساسی آگاهی اجتماعی، ظرفیت درک احساسات دیگران در شرایط مختلف و همدردی و همدلی نسبت به آنها است (Huynh & Prof, 2018:7). بر این مبنا، امروزه محققان، آگاهی را به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی تلقی می‌کنند. زیرا آگاهی اجتماعی، یکی از پیش شرط‌های اعتماد تلقی شده و یکی از شرط‌های لازم جهت مشارکت جوامع در توسعه محلی است (Bradford, 2016: 104).

انسجام و سرمایه اجتماعی

انسجام اجتماعی یک ابزار مهم برای تحلیل رفتارهای مختلف افراد جامعه است (Kalolo et al, 2019: 3). بر اساس نتایج تحقیقات سازمان همکاری و توسعه اقتصادی* انسجام اجتماعی، به عنوان مفهومی گسترده به طور همزمان باعث ایجاد احساس تعلق می‌شود، مشارکت فعال را به همراه دارد،

*. OECD, 2011

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]

اعتماد را ارتقا می‌بخشد و به اعضا فرصتی برای تحرک اجتماعی رو به رشد می‌دهد (Cloete, 2014: 1). بر این مبنا، انسجام توافق جمعی میان افراد است که حاصل پذیرش ارزش‌ها و بایدها و نبایدهای مشترک آن جامعه است و باعث شده افراد وحدت و یکپارچگی خود را حفظ کرده و در راه رسیدن به اهداف مشترک با یکدیگر تلاش و کوشش کنند. بنابراین، انسجام اجتماعی با سرمایه اجتماعی پیوند دارد، به گونه‌ای که سرمایه اجتماعی به عنوان پیش نیاز انسجام اجتماعی در نظر گرفته شده است (Janmaat 2011:61).

گروه اجتماعی و سرمایه اجتماعی

در علوم اجتماعی، یک گروه اجتماعی متشکل از دو یا چند نفر است که به طور منظم با یکدیگر در تعامل بوده، ویژگی‌های مشابهی با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند و دارای احساس جمعی مشترک هستند. گروه‌های اجتاعی به عنوان پیش نیاز ایجاد سرمایه اجتماعی هستند و تا حدودی انسجام اجتماعی را به نمایش می‌گذارد. بنابراین چیزی بیش از یک مجموعه ساده از افراد است. ویژگی‌های مشترک اعضای یک گروه ممکن است شامل علائق، ارزش‌ها، بازنمایی‌ها، پیشینه قومی یا اجتماعی و پیوندهای خویشاوندی باشد. به سخن دیگر، یکی از ویژگی‌های گروه اجتماعی اینست که عمدتاً افرادی که به آن مجموعه تعلق دارند، از ضمیر خودمختار «ما» استفاده می‌کنند (McIntosh, 2018).

شبکه روابط و سرمایه اجتماعی

مجموعه روابط بین افـراد، شـبکهٔ اجتماعی را شکل می‌دهد. شبکه به صورت مجموعه‌ای از گره‌ها و روابط بین آن‌ها تعریف می‌شود. شبکه روابط اجتماعی یکی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی در جهان امروز است. افراد بوسیله شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در مورد مسائل مختلف با یکدیگر صحبت کنند و اطلاعات عمومی یا خصوصی خود را در قالب‌های مختلف با یکدیگر به اشتراک بگذارند. هدف شبکه‌های اجتماعی کمک به بهتر شدن و تسهیل روابط و همکاری بین افراد و سازمان‌ها در مورد موضوعات مختلف از قبیل مباحث آموزشی و تجارت است (Ahrweiler & Keane, 2013: 1-7). توسعه شبکه‌های محلی به عنوان پتانسیل قابل توجهی برای تغییر نحوه ایجاد و حفظ سرمایه اجتماعی دیده می‌شود (Ferlander & Timms, 2001: 52). مفهوم سرمایه اجتماعی با شبکه اجتماعی در عین متمایز بودن همگرا است. چرا که شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌ای محسوب می‌شود که از طریق آنها سرمایه اجتماعی ایجاد، حفظ و مورد استفاده قرار می‌گیرد (Ferris et al, 2017: 6).

اعتماد و سرمایه اجتماعی

یکی از مفاهیم مهم در تبیین سرمایه اجتماعی، شبکه اعتماد است. شبکه اعتماد عبارت است از گروهی که بر اساس اعتماد متقابل به یکدیگر از اطلاعات، هنجارها و ارزش‌های یکسانی در تبادلات خود استفاده می‌کنند و اطلاعات خود را به اشتراک می‌گذارند. بر این اساس، اعتماد اجتماعی یکی از مهم‌ترین

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]

رکن سرمایه اجتماعی و اولین گام برای شکل‌گیری ارتباط بین فردی است (Jamshidi & Haghparast, 2015: 61). فوکویاما، اعتماد را نمونه هنجار غیر رسمی و ترویج‌دهنده همکاری بین دو یا چند نفر می‌داند. به سخن دیگر، اعتماد و حس تعلق به یکدیگر، از طریق مشارکت در شبکه‌ها و وجود حمایت درون آنها توسعه پیدا می‌کند و با افزایش همکاری در درون شبکه، حس تعلق و هویت مشترک را توسعه می‌دهد (Ferlander & Timms, 2001: 53).

مشارکت و سرمایه اجتماعی

مشارکت اجتماعی، یک فرآیند سازمان یافته، مستمر و باثبات است و شرایطی را فراهم می‌کند که در آن کنش‌گران بتوانند به شیوه‌ای آگاهانه، داوطلبانه و جمعی و با در نظر گرفتن اهداف خاص و مشخصی که منجر به اشتراک منابع قدرت می‌شوند، شرکت می‌کنند و بر فرآیندهایی که زندگی آن‌ها را متأثر می‌کند، دخالت، نظارت و کنترل داشته باشند (Peris et al, 2011: 85). مشارکت به عمل «شرکت کردن و سهیم شدن در چیزی» گفته می‌شود. بر این اساس، مشارکت اجتماعی، یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود (Lazaro & Thery, 2019: 256). از دیدگاه جامعه‌شناسی باید بین مشارکت به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت نمودن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (مشارکت فعالانه) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم شرکت فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد (R.K. Merton, 2005: 580).

مشارکت ذی‌نفعان محلی در توسعه پایدار اقتصادی

یکی از اصلی‌ترین پیش نیازها برای دستیابی به توسعه پایدار اقتصادی، مشارکت ذی‌نفعان محلی در فرآیند تصمیم‌گیری است که مستلزم ایجاد ساختارهای دموکراتیک برای تسهیل مشارکت داوطلبانه و آگاهانه آنها در طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی است (Sisto et al, 2018: 443). بر این شالوده، رابطه تنگاتنگی بین مشارکت و توسعه اقتصادی وجود دارد(Mubita et al, 2017: 244). مشارکت ذی‌نفعان محلی، نه تنها یک مسئله اخلاقی تلقی شده، بلکه ارزش‌های انسان‌محور بودن طرح‌ها و برنامه‌ها را در فرآیند توسعه پایدار اقتصادی منعکس می‌کند (Usadolo & Caldwel, 2016). لذا در توسعه اقتصادی، تمیز دادن "مشارکت عمومی" از "مشارکت ذینفعان" اهمیت فراوان دارد. رو و فرور*(۲۰۰۵) بیان می‌کنند که در مشارکت عمومی، مردم، دریافت‌کننده منفعل اطلاعاتی هستند که توسط شرکت‌ها، تنظیم‌کننده‌ها و دستگاه‌های حاکم ارایه می‌شود، در حالی که در مشارکت ذی‌نفعان، افراد به صورت فعالانه، داوطلبانه و آگاهانه در برنامه‌ها و طرح‌های اقتصادی مشارکت می‌کنند (Lazaro & Thery, 2019: 256).

* . Rowe and Frewer

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]

سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار اقتصادی

سرمایه اجتماعی، شرط لازم برای رشد و توسعه اقتصادی است و به معنای منافع اقتصادی جامعه است که بواسطه ارتباطات، همکاری و اعتماد بین نهادها، در محیط اقتصادی و اجتماعی معین قابل دستیابی است و به افراد کمک می‌کند تا از منابع موجود برای ایجاد منافع متقابل استفاده کنند(Cvetanovic et al, 2016: 73). به سخن دیگر، سرمایه اجتماعی به اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد که می‌تواند اقدام اجتماعی را به نفع کل افراد جامعه منتج کند. در چنین شرایطی، سهام سرمایه اجتماعی در جامعه، متناسب با شبکه‌های اجتماعی و شدت روابط اجتماعی است و توسعه اقتصادی از پایداری لازم برخوردار است (World Bank, 1998). به عقیده هرپ (۲۰۰۵)، اثری که سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی مناطق روستایی دارد، از طریق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی است (حیدری ساربان، ۱۳۹۷: ۱۲۸). به عبارت دیگر، تأثیر سرمایه اجتماعی از طریق شبکه‌های تجاری متراکم آشکار می‌شود که باعث تقویت همکاری اقتصادی و ایجاد اعتماد بین عوامل اقتصادی است. سرمایه اجتماعی در فعالیت‌های اقتصادی، میزان ریسک و عدم اطمینان را کاهش می‌دهد. این امر امکان تبادل اطلاعات ارزشمند در مورد فعالیت‌های اقتصادی را فراهم می‌کند و هزینه‌های موجود را کاهش می‌دهد بر این اساس، سرمایه اجتماعی عاملی در توسعه پایدار اقتصادی است و از آن پشتیبانی می‌کند(Akcomak, 2009: 47).

مدیریت محلی، ارتقای سرمایه اجتماعی و بهبود مشارکت ذی نفعان محلی

در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر، مطالعات متعددی در کشورهای مختلف صورت گرفته است، لیکن اکثریت این پژوهش‌ها اثرات سرمایه اجتماعی را بر مشارکت ذی‌نفعان محلی در فرایند توسعه اقتصاد روستایی بررسی کرده‌اند. حال آنکه نقش مدیریت محلی در ارتقای سرمایه اجتماعی و بهبود مشارکت ذی‌نفعان محلی در فراگرد توسعه اقتصاد روستایی با تأکید بر رویکرد حاکم بر آن، موضوعی است که کمتر بدان پرداخته شده است. لذا بررسی این پژوهش‌ها از یک سو به مسئله‌شناسی، مسئله‌یابی و متدولوژی پژوهش حاضر مدد رسانده؛ و از سوی دیگر، زمینه برای مقایسه نتایج پژوهش‌های پیشین با پژوهش حاضر فراهم ساخته است.

در ایتالیا، سرمایه اجتماعی از طریق شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای متقابل و اعتماد، به تولید ساختارهای دمکراتیک در جامعه منجر شده و با اثرگذاری بر بهبود عملکرد حکومت‌های محلی، منجر به توسعه اقتصادی جوامع شده است (Putnam, 1993, 2001). در آلمان، اعتماد موجود در فرهنگ سیاسی نخبگان محلی، نقش مؤثری بر عملکـرد بهتـر حکومت محلی داشته است (Cusack, 1999). در آمریکا، دولت‌های محلی و مؤسسات تسهیل‌گری غیر دولتی در مقایسه با نهادهای رسمی دولتی، توانسته‌اند با استحکام پیوندها و شبکه روابط قوی درون جامعه، اشتراک‌گذاری استقلال خود با شهروندان و تمرکززدایی در قدرت، اعتماد متقابل ایجاد نمایند و در نقش تسهیل‌گر به جای نقش کنترل‌کننده، مشارکت جوامع محلی را در طرح‌ها و برنامه‌ها افزایش دهند و با افزایش زیرساخت‌های مدنی، سرمایه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]

اجتماعی را در میان جوامع ارتقاء داده‌اند (Warner, 2001). در کشور هلند، مدیریت تعاملی بواسطه هنجارها و ارزش‌های جمعی و احساسات متقابل، توانسته اعتماد و تعهد برای بسیج بازیگران خصوصی و عمومی را فراهم کند و با ساخت سرمایه اجتماعی جوامع محلی، راهکارهای جدیدی را برای توسعه منطقه‌ای ارایه دهد (Horlings et al, 2013). همچنین در جمهوری اسلواکی، مدیریت محلی توانسته با تقویت شکل ساختاری سرمایه اجتماعی، جنبه‌های فرهنگی- شناختی، مانند اعتماد و هنجارهای مشترک را در بین جوامع محلی بوجود آورد و با شفافیت و تشویق مشارکت شهروندان در برنامه‌یزی و فرآیندهای تصمیم‌گیری، جنبه‌های فرهنگی- شناختی سرمایه اجتماعی نیز در راستای توسعه اقتصادی، مستقیماً تقویت شده است (Svihlova & Kubisova, 2014). در ایتالیا، بکارگیری مدیریت مشارکتی در روستاها، باعث ایجاد اعتماد اجتماعی، انسجام و شکل‌گیری گروه‌های اقدام محلی و شبکه ذی‌نفعان محلی شده که زمینه‌ای برای حل مسائل محلی توسط دولت‌های محلی و سایر مؤسسات حمایتی بوده است و عاملی برای مشارکت روستاییان در طرح‌ها و پروژه‌های عملیاتی و بهبود توسعه مناطق روستایی شده است (Sisto et al, 2018). بدین ترتیب، در کشورهای اروپایی و آمریکایی تلاش دارند با بهبود عملکرد مدیریت محلی، سرمایه اجتماعی ذی‌نفعان محلی و مشارکت آنها را در برنامه‌ها و طرح‌ها ارتقا دهند و توسعه اقتصاد روستایی را محقق نمایند.

در حالی که در کشورهای افریقایی همچون نیجریه و اتیوپی وجود سیاست‌های تمرکزگرایانه، برنامه‌ریزی‌های از بالا به پایین، عدم تفویض اختیار و تسلط سطوح فرادست حاکمیتی و دولت مرکزی بردولت‌های محلی، کمبود بودجه و منابع مالی در دسترس مدیریت محلی، پایین بودن سطح آگاهی و آموزش، قومیت و نژادپرستی و ... منجر شده تا میزان مشارکت اجتماعی داوطلبانه و آگاهان جوامع محلی در طرح‌ها و برنامه‌های عملیاتی پایین باشد و عملاً هیچگونه توسعه‌ای در وضعیت اقتصادی و اجتماعی روستاها اتفاق نیافتاده است (Tuke et al, 2017; Ibietan, 2010).

مطالعات در کشورهای آسیایی در این زمینه نشان می‌دهد که در اندونزی، بهبود عملکرد مدیریت محلی از طریق مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، آموزش، قانون‌مداری، تعلق خاطر و ارتقای انگیزه، باعث رضایت و اعتماد متقابل در میان جامعه محلی شده است (Shatifan et al, 2004). همچنین بررسی‌ها در ۹۱ کشور آسیایی از جمله: ژاپن، تایوان، مالزی، تایلند، اندونزی، هند، ایران، سرمایه اجتماعی از طریق نهادها، ارتباطات، نگرش‌ها و ارزش‌هایی که تعامل میان مردم را هدایت می‌کند و در توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع نقش داشته و باعث افزایش دسترسی به اطلاعات و کاهش هزینه آن، تسهیل تصمیم و عمل جمعی، کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه اعضای جامعه و افزایش مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌های عملیاتی توسعه روستایی شده است (Yokoyama & Sakurai, 2006). در کره جنوبی، میزان اعتماد مردم به دولت پایین بوده که باعث تضعیف انسجام اجتماعی و سرمایه اجتماعی شهروندان شده است(Myeong & Seo, 2016).

برای بررسی جایگاه مدیریت محلی در ارتقای سرمایه اجتماعی و بهبود مشارکت ذی‌نفعان محلی در فراگرد توسعه اقتصاد روستایی، با مرور ادبیات تحقیق، شکل(۱) به عنوان چارچوب کلی برای مشخص

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]

نمودن روابط میان متغیرهای اثرگذار و اثرپذیر تحقیق مدل‌سازی شد.

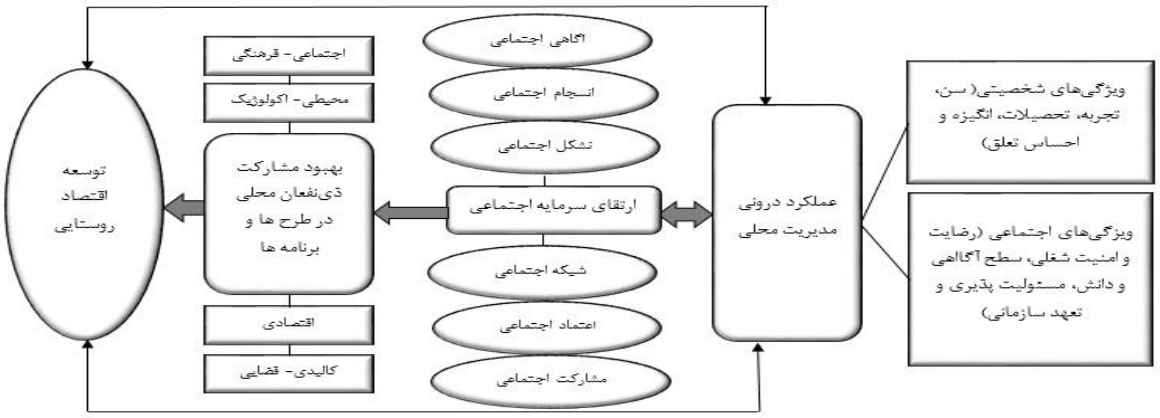

شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

۳) روش تحقیق

تحقیق حاضر با توجه به هدف از نوع بنیادی و با توجه به روش و نحوه گردآوری اطلاعات از نوع توصیفی ـ پیمایشی است و بر حسب ماهیت داده‌ها از نوع تحقیقات کمی است. به لحاظ موضوعی این پژوهش از نوع مطالعات تأثیر عملکرد مدیریت محلی در ارتقای سرمایه اجتماعی و بهبود مشارکت ذی‌نفعان محلی در فراگرد توسعه اقتصاد روستایی است که در سال۱۳۹۷ درسکونتگاه‌های روستایی شهرستان بانه انجام شد. برای تبیین دقیق سؤال‌ها و فرضیه‌های پژوهش حاضر از روش توصیفی - تحلیلی؛ و برای جمع‌آوری داده‌های میدانی از روش پیمایش میدانی استفاده شد. جامعه-آماری پژوهش شامل ۱۸۲ روستای دارای سکنه در شهرستان بانه است که براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای ۴۳۲۹۰ نفر جمعیت (معادل ۱۱۶۲۸ خانوار) است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). تعداد روستاهای نمونه شامل ۳۰ روستا در شهرستان بانه در دو گروه (روستاهایی با ۳ عضو شورای اسلامی و روستاهایی با ۵ عضو شورای اسلامی) است که به صورت تصادفی طبقه‌بندی شدند. حجم نمونه تصادفی بر اساس فرمول"کوکران"، با سطح اطمینان ۹۵ درصد و پیش برآورد واریانس۰/۲۵(۰/۵*۰/۵) و دقت احتمالی مطلوب ۵ درصد، تعداد ۳۵۰ نمونه انتخاب شد.

برای جمع‌آوری داده‌های میدانی از ابزار پرسشنامه استفاده شد. برای طراحی پرسشنامه از مطالعات مختلف براساس شرایط و موقعیت جامعه ایران استفاده شد. برای تحلیل عملکرد مدیریت محلی از ۲ شاخص ویژگی‌های شخصیتی (سن، تجربه، سطح تحصیلات، انگیزه و احساس تعلق) و ویژگی‌های اجتماعی مدیریت محلی (سطح آگاهی و آموزش، رضایت و امنیت شغلی و مسئولیت‌پذیری و تعهد سازمانی) شامل ۱۱ گویه، برای ابعاد سرمایه اجتماعی از ۶ شاخص (آگاهی اجتماعی، انسجام اجتماعی، تشکل اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی) شامل ۵۲ گویه و برای متغیر مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی از تعداد ۱۴ گویه و برای توسعه اقتصاد روستایی۱۲ گویه مطابق جدول ۱ استفاده شد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]

جدول ۱. متغیرهای مکنون و آشکار در تحقیق

متغیر مکنون	متغیر آشکار		نویسندگان
عملکرد مدیریت محلی	سن	ویژگی‌های شخصیتی	Illies, 2003; Horlings et al, 2013; Ibietan, 2010; Tuke et al, 2017
	تجربه		Horlings et al, 2013;Tuke et al, 2017
	تحصیلات		Ibietan, 2010; Svihlova & Kubisova, 2014; Tuke et al, 2017
	انگیزه و احساس تعلق		Shatifan et al, 2004; Horlings et al, 2013; Ljung, 2014; Tuke et al, 2017
	سطح آگاهی و دانش	ویژگی‌های اجتماعی	Shatifan et al, 2004; Svihlova& Kubisova, 2014; Tuke et al, 2017
	رضایت و امنیت شغلی		Illies, 2003; Shatifan et al, 2004; Ibietan, 2010
	مسئولیت‌پذیری و تعهد سازمانی		Ljung, 2014; Svihlova& Kubisova, 2014; Tuke et al, 2017
ارتقای سرمایه اجتماعی	آگاهی اجتماعی		Ibietan,2010; Bradford,2016; Ferris et al, 2017; Huynh & Prof, 2018
	انسجام اجتماعی		&Seo,2016; Ferris et al, 2017; Taşdemir et al, 2017; Myeong Cloete,2014; McIntosh,2018; Fernando et al, 2018; Kalolo et al, 2019
	تشکل و گروه‌های اجتماعی		Ferris et al, 2017; sisto et al, 2018; McIntosh,2018; Kalolo et al, 2019
	شبکه روابط اجتماعی		Myeong & seo, 2016; Ferris et al, 2017; Fernando et al, 2018; Taşdemir et al, 2017; sisto et al, 2018; King et al, 2019
	اعتماد اجتماعی		Ibietan,2010; Gupt & Rakesh, 2015; Myeong& seo, 2016; Taşdemir et al, 2017; Fernando et al, 2018; King et al, 2019; Kalolo et al, 2019
	مشارکت اجتماعی		Ibietan,2010; Gupta & Rakesh, 2015; Taşdemir et al, 2017; sisto et al, 2018 ;Kvartiuk& Curtiss, 2019; Kalolo et al, 2019
مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح ها و برنامه‌های توسعه اقتصاد روستایی	کاهش آسیب‌پذیری در فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی		Akcomak, 2008 ; Svihlova& Kubisova, 2014; Gupta & Rakesh , 2015; Cvetanović et al, 2016; Tuke et al, 2017; Pugalis &Tan 2017; Rivera et al, 2019
	بهبود کارآیی در فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی		
	بهبود جذب سرمایه		
	بهبود وضعیت اشتغال و درآمدزایی		
	شکل‌دهی صندوق اعتبارات روستایی		
	ارایه تسهیلات و وام		
	بهبود سرمایه گذاری در فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی		
	بهبود وضعیت اشتغال زنان		
	بهبود سطح درآمد		

به منظور اطمینان از روایی صوری و محتوایی پرسشنامه و انطباق سؤال‌های برگرفته از مطالعات پیشین با متغیرهای پژوهش، چند تن از اساتید و صاحب‌نظران دانشگاهی مرتبط با موضوع در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی؛ و تعدادی از مدیران و کارشناسان خبره نهادهای مرتبط از جمله سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، پس از بررسی سؤال‌ها و گویه‌های پرسشنامه و ارایه نظرات اصلاحی، اقدامات اصلاحی در پرسشنامه صورت گرفت. علاوه براین، برای بررسی پایایی شاخص‌ها از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره۲ آمده است. میزان آلفای کرونباخ به دست آمده برابر با ۰/۷۹۷ است که نشان از روایی و پایایی مناسب پرسشنامه دارد. تجزیه و تحلیل شاخص‌های اثرگذار و اثرپذیر پژوهش از طریق سنجه پیوند تاوبی کندال* و در نهایت از آزمون رگرسیون چندمتغیره انجام شد.

* .Kendall`s tau_b

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]

جدول ۲. ضریب آلفای کرونباخ ابعاد مقوله اثرگذار و اثرپذیر پژوهش

متغیر مکنون	متغیر آشکار	آلفای کرونباخ	
عملکرد مدیریت محلی	ویژگی‌های شخصیتی (سن، تجربه، تحصیلات، انگیزه و احساس تعلق)	۰/۷۸۳	۰/۷۵۹
	ویژگی‌های اجتماعی (سطح آگاهی و دانش، رضایت و امنیت شغلی، مسئولیت‌پذیری و تعهد سازمانی)	۰/۷۳۶	
ارتقای سرمایه اجتماعی	آگاهی اجتماعی	۰/۸۳۸	*۰/۷۸۳
	انسجام اجتماعی	۰/۷۵۷	
	تشکل و گروه‌های اجتماعی	۰/۸۵۱	
	شبکه روابط اجتماعی	۰/۷۳۷	
	اعتماد اجتماعی	۰/۷۵۴	
	مشارکت اجتماعی	۰/۷۶۲	
مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌ها	مشارکت در طرح‌ها و برنامه های محیطی- اکولوژیکی	۰/۸۵۴	۰/۸۵۶
	مشارکت در طرح‌ها و برنامه های اجتماعی- فرهنگی	۰/۸۴۳	
	مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی	۰/۸۹۵	
	مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌های کالبدی- فضایی	۰/۸۳۵	
توسعه اقتصاد روستایی	کاهش آسیب‌پذیری در فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی	۰/۷۹۱	
	بهبود کارآیی در فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی		
	بهبود جذب سرمایه		
	بهبود وضعیت اشتغال و درآمدزایی		
	شکل‌دهی صندوق اعتبارات روستایی		
	ارایه تسهیلات و وام		
	بهبود سرمایه گذاری در فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی		
	بهبود وضعیت اشتغال زنان		
	بهبود سطح درآمد		

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

۴) یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی نشان داد، از مجموع ۳۵۰ نفر از پاسخگویان، میزان ۷۷/۴ درصد پاسخگویان را مردان و میزان ۲۲/۶ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین وضعیت تحصیلات نشان می‌دهد که حدود ۳۰/۹ درصد پاسخگویان مدرک دیپلم و بالاتر و ۶۹/۱ درصد پاسخگویان، مدرک زیر دیپلم هستند. به طور کلی بیشترین فراوانی سن پاسخگویان مربوط به گروه سنی ۳۶ تا ۵۰ سال بوده است (جدول ۳).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]

جدول ۳. ویژگی پاسخگویان در ناحیه مورد مطالعه

متغیر		تعداد	درصد
جنس	مرد	۲۷۱	۷۷/۴
	زن	۷۹	۲۲/۶
	جمع	۳۵۰	۱۰۰
تحصیلات	بیسواد	۳۱	۸/۹
	خواندن و نوشتن	۲۷	۷/۷
	ابتدایی	۴۹	۱۴
	راهنمایی	۶۳	۱۸
	دبیرستان	۷۲	۲۹/۶
	دیپلم	۷۲	۲۰/۶
	کاردانی و کارشناسی	۲۶	۷/۴
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۱۰	۲/۹
	جمع	۳۵۰	۱۰۰
سن	۱۹ تا ۲۵ سال	۳۴	۹/۷
	۲۶ تا ۳۵ سال	۱۲۵	۳۵/۷
	۳۶ تا ۵۰ سال	۱۴۵	۴۱/۴
	۵۰ و بیشتر	۴۵	۱۲/۹
	جمع	۳۵۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

یافته‌های استنباطی

در رابطه بین شاخص‌های عملکرد درونی مدیریت محلی و ابعاد سرمایه اجتماعی در شهرستان بانه، بر اساس نظرات پاسخگویان روستایی، بین شاخص‌های ویژگی‌های شخصیتی مدیران و ویژگی‌های اجتماعی مدیران با ابعاد سرمایه اجتماعی، رابطه معناداری مشاهده شد. به عبارت دیگر معناداری رابطه از آن جهت است که چون میزان شاخص‌های اثرگذار ویژگی‌های شخصیتی همچون سن، تجربه، تحصیلات و انگیزه مدیران و ویژگی‌های اجتماعی همچون سطح آگاهی و دانش، رضایت و امنیت شغلی و میزان پاسخگویی و تعهد سازمانی مدیران، در منطقه در سطح پایینی قرار داشته‌اند، لذا ابعاد سرمایه اجتماعی در منطقه یک روند نزولی و کاهشی داشته است و در محدوده مورد مطالعه بهبود چندانی نداشته است. همچنین در رابطه بین ابعاد سرمایه اجتماعی و مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی، بین شاخص‌های آگاهی اجتماعی، انسجام اجتماعی، تشکل و گروه‌های اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی با مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی، رابطه معناداری وجود دارد و چون میزان شاخص‌های اثرگذار مقوله سرمایه اجتماعی در سطح پایینی قرار گرفته اند، میزان مشارکت ذی‌نفعان محلی نیز در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی در ابعاد محیطی- اکولوژیک، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و کالبدی- فضایی، در سطح پایینی بوده که در نتیجه پایین بودن سطح مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی، توسعه اقتصادی در روستاها در زمینه کاهش آسیب‌پذیری در فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی، بهبود کارآیی در فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی، بهبود جذب سرمایه، بهبود وضعیت اشتغال و درآمدزایی،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]

شکل‌دهی صندوق اعتبارات روستایی، ارایه تسهیلات و وام، بهبود سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی، بهبود وضعیت اشتغال زنان و بهبود سطح درآمد در محدوده مورد مطالعه، بهبود پیدا نکرده و محقق نشده است. در مجموع نتایج به دست آمده از سنجه پیوند «کندال‌تاوبی» هر چند بیانگر وجود ارتباط معناداری بین شاخص‌های اثرگذار و اثرپذیر در منطقه مورد مطالعه است، لیکن معنادار بودن ارتباط بین شاخص‌های مقوله‌های اثرگذار و اثرپذیر، به دلیل پایین بودن میانگین وزنی شاخص‌های مقوله‌های اثرگذار و اثرپذیر از حد متوسط آن است.

به عبارت دیگر چون عملکرد درونی مدیریت محلی در محدوده مورد مطالعه در وضعیت مساعد و مناسبی نبوده، به تناسب آن میزان سرمایه اجتماعی و مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی در سطح پایینی قرار گرفته است. در نتیجه توسعه اقتصادی در روستاها تحقق پیدا نکرده است (جدول ۴).

جدول ۴. رابطه بین شاخص‌های مقوله اثرگذار و اثرپذیر در پژوهش، با استفاده از سنجه پیوند کندال تاوبی

شاخص‌های اثرگذار	مقوله اثرپذیر	ضریب همبستگی (Correlation Coefficient)	سطح معناداری (Sig)
ویژگی‌های شخصیتی	ابعاد سرمایه اجتماعی	*۰/۰۷۷	۰/۰۳۸
ویژگی‌های اجتماعی		**۰/۲۷۳	۰/۰۰۰
آگاهی اجتماعی	مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه ها	**۰/۵۲۶	۰/۰۰۰
انسجام اجتماعی		**۰/۶۱۰	۰/۰۰۰
تشکل و گروه‌های اجتماعی		*۰/۲۳۳	۰/۰۴۲
شبکه روابط اجتماعی		*۰/۱۸۲	۰/۰۲۸
اعتماد اجتماعی		**۰/۳۴۶	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی		**۰/۵۷۵	۰/۰۰۰
مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌های محیطی- اکولوژیکی	توسعه اقتصاد روستایی	**۰/۴۲۵	۰/۰۰۰
مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌های اجتماعی- فرهنگی		**۰/۳۰۰	۰/۰۰۰
مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی		**۰/۷۱۲	۰/۰۰۰
مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌های کالبدی- فضایی		**۰/۲۵۲	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

تحلیل رگرسیونی خطی چند متغیره برای تبیین تأثیر عملکرد درونی مدیریت محلی بر بهبود ابعاد سرمایه اجتماعی بر اساس نتایج به دست آمده، میان شاخص‌های عملکرد درونی مدیریت محلی و مقوله سرمایه اجتماعی شهرستان بانه به میزان ۰/۴۲۲ همبستگی وجود دارد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که حدود ۳۲/۴ درصد از تغییرات ابعاد سرمایه اجتماعی، از طریق ترکیب خطی شاخص‌های عملکرد درونی مدیریت محلی در محدوده مورد مطالعه تبیین و پیش‌بینی شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]

جدول ۵. ارتباط بین شاخص‌های مقوله اثرگذار و اثرپذیر در پژوهش

مدل	ضریب همبستگی چندگانه R	ضریب تعیین R^2	ضریب تعیین تعدیل شده R_{ad}	اشتباه معیار
۱	۰/۴۲۲	۰/۳۲۸	۰/۳۲۴	۰/۲۷۹۴۱

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

همچنین بر اساس مقدار محاسبه شده برای F و سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌توان گفت که مجموع شاخص‌های اثرگذار متغیر مستقل عملکرد درونی مدیریت محلی، به طور معناداری قادر به تبیین و پیش‌بینی میزان تغییرات ابعاد سرمایه اجتماعی محدوده مورد مطالعه بوده است.

جدول ۶. معناداری رگرسیون شاخص‌های مقوله اثرگذار و اثرپذیر در تحقیق

مدل		مجموع مربعات	درجه آزادی df	میانگین مربعات	F	سطح معناداری Sig
۱	اثر رگرسیونی	۵/۸۸۱	۲	۲/۹۴۰	۳۷/۶۶۲	۰/۰۰۰
	باقیمانده	۲۷/۰۹۱	۳۴۷	۰/۰۷۸		
	کل	۳۲/۹۷۱	۳۴۹			

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

بر اساس ضرایب استاندارد شده تأثیر شاخص‌های مقوله اثرگذار (عملکرد درونی مدیریت محلی) بر مقوله اثرپذیر (ابعاد سرمایه اجتماعی)، نتایج نشان می‌دهد که از بین شاخص‌های اثرگذار، شاخص ویژگی‌های اجتماعی مدیران (۰/۴۱۶) تنها شاخص معنادار بوده و بیشترین تأثیر را بر بهبود سرمایه اجتماعی دارد و شاخص ویژگی‌های شخصیتی مدیران (۰/۰۲۷)، تأثیری چندانی در بهبود مقوله اثرپذیر در محدوده مورد مطالعه نداشته است. بنابراین شاخص ویژگی‌های شخصیتی مدیران در معادله رگرسیونی، حذف می‌شود.

جدول ۷. ضرایب میزان شدت تأثیرات شاخص‌های مقوله اثرگذار و اثرپذیر در محدوده مورد مطالعه

مدل	شاخص‌ها	ضریب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	T	سطح معناداری Sig
		خطای استاندارد	B	β		
۱	ویژگی‌های شخصیتی مدیران	۰/۰۱۸	۰/۰۱۰	۰/۰۲۷	۰/۵۴۸	۰/۵۸۴
	ویژگی‌های اجتماعی مدیران	۰/۰۴۵	۰/۳۷۹	۰/۴۱۶	۸/۳۵۵	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

تحلیل رگرسیونی خطی چند متغیره برای تبیین تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر بهبود مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح ها و برنامه‌های توسعه روستایی بر اساس نتایج به دست آمده، میان ابعاد سرمایه اجتماعی و مقوله مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی در محدوده مورد مطالعه، به میزان ۰/۸۶۹ همبستگی وجود دارد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که حدود ۷۵/۱ درصد از میزان مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی، از طریق ترکیب خطی ابعاد سرمایه اجتماعی در محدوده مورد مطالعه تبیین و پیش‌بینی شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]

جدول ۸. ارتباط بین شاخص‌های مقوله اثرگذار و اثرپذیر در تحقیق

مدل	ضریب همبستگی چندگانه R	ضریب تعیین R^2	ضریب تعیین تعدیل شده R_{ad}	اشتباه معیار
۱	۰/۸۶۹	۰/۷۵۵	۰/۷۵۱	۰/۶۴۱۱۳

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

همچنین بر اساس مقدا محاسبه شده برای F و سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌توان گفت که مجموع شاخص‌های اثرگذار متغیر مستقل سرمایه اجتماعی، به طور معناداری قادر به تبیین و پیش‌بینی میزان مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی محدوده مورد مطالعه بوده است.

جدول ۹. معناداری رگرسیون شاخص‌های مقوله اثرگذار و اثرپذیر در تحقیق

مدل		مجموع مربعات	درجه آزادی df	میانگین مربعات	F	سطح معناداری Sig
۱	اثر رگرسیونی	۴۳۲/۰۲۲	۶	۷۲/۰۰۴	۱۷۵/۱۶۹	۰/۰۰۰
	باقیمانده	۱۴۰/۱۶۹	۳۴۳	۰/۴۱۱		
	کل	۵۷۲/۱۹۲	۳۴۹			

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

بر اساس ضرایب استاندارد شده تأثیر ابعاد مقوله اثرگذار (سرمایه اجتماعی) بر مقوله اثرپذیر (مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی)، نتایج نشان می‌دهد که از بین شاخص‌های اثرگذار، به ترتیب شاخص انسجام اجتماعی (۰/۵۸۹)، شاخص مشارکت اجتماعی (۰/۳۹۱) و شاخص اعتماد اجتماعی (۰/۳۴۴)، بیشترین تأثیر را در میزان مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی منطقه مورد مطالعه داشته‌اند. در مقابل به ترتیب شاخص آگاهی اجتماعی (۰/۱۷۸) و شاخص شبکه روابط اجتماعی (۰/۱۱۸) کمترین تأثیر را در میزان مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی محدوده مورد مطالعه داشته‌اند. همچنین شاخص تشکل و گروه‌های اجتماعی هیچ تأثیری در میزان مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی محدوده مورد مطالعه نداشته است. بنابراین از بین شش شاخص وارد شده به معادله رگرسیونی، تمامی شاخص‌ها به غیر از شاخص تشکل و گروه‌های اجتماعی در معادله باقی مانده و شاخص تشکل و گروه‌های اجتماعی حذف می‌شود. چون عملاً هیچ تشکلی در محدوده مورد مطالعه وجود نداشته که بر مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی اثرگذار باشد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]

جدول ۱۰. ضرایب میزان شدت تأثیرات شاخص‌های مقوله اثرگذار و اثرپذیر در محدوده مورد مطالعه

مدل	شاخص‌ها	ضریب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	T	سطح معناداری Sig
		خطای استاندارد	B	β		
۱	آگاهی اجتماعی	۰/۲۰۱	۰/۰۲۱	۰/۱۷۸	۵/۹۶۱	۰/۰۰۰
	انسجام اجتماعی	۰/۵۷۲	۰/۰۸۶	۰/۵۸۹	۶/۶۶۷	۰/۰۰۰
	تشکل و گروه‌های اجتماعی	-۰/۰۳۳	۰/۰۴۲	-۰/۰۲۵	-۰/۷۸۸	۰/۴۳۱
	شبکه روابط اجتماعی	۰/۱۹۳	۰/۰۱۷	۰/۱۱۸	۳/۱۰۶	۰/۰۰۰
	اعتماد اجتماعی	۰/۳۷۳	۰/۰۳۶	۰/۳۴۴	۱۰/۳۰۱	۰/۰۰۰
	مشارکت اجتماعی	۰/۴۵۱	۰/۰۶۸	۰/۳۹۱	۶/۶۱۷	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

تحلیل رگرسیونی خطی چند متغیره برای تبیین تأثیر مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌ها بر توسعه اقتصادی روستاها بر اساس نتایج به دست آمده، میان ابعاد مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی و مقوله توسعه اقتصادی روستاها در محدوده مورد مطالعه، به میزان ۰/۶۹۶ همبستگی وجود دارد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که حدود ۶۴/۱ درصد از میزان توسعه اقتصاد روستایی، از طریق ترکیب خطی ابعاد مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی در منطقه مورد مطالعه تبیین و پیش‌بینی شده است.

جدول ۱۱. ارتباط بین شاخص‌های مقوله اثرگذار و اثرپذیر در تحقیق

مدل	ضریب همبستگی چندگانه R	ضریب تعیین R^2	ضریب تعیین تعدیل شده R_{ad}	اشتباه معیار
۱	۰/۶۹۶	۰/۷۱۲	۰/۶۴۱	۰/۱۴۲۰۱

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

همچنین بر اساس مقدا محاسبه شده برای F و سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌توان گفت که مجموع شاخص‌های اثرگذار متغیر مستقل مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی، به طور معناداری قادر به تبیین و پیش‌بینی میزان توسعه اقتصادی روستاهای منطقه مورد مطالعه بوده است.

جدول ۱۲. معناداری رگرسیون شاخص‌های مقوله اثرگذار و اثرپذیر در تحقیق

مدل		مجموع مربعات	درجه آزادی df	میانگین مربعات	F	سطح معناداری Sig
۱	اثر رگرسیونی	۴۱۰/۶۵۲	۴	۶۸/۴۴۲	۷۲۰/۴۶۵	۰/۰۰۰
	باقیمانده	۳۱/۳۹۴	۳۴۵	۰/۰۹۵		
	کل	۴۴۳/۰۴۶	۳۴۹			

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

بر اساس ضرایب استاندارد شده تأثیر ابعاد مقوله اثرگذار (مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی) بر مقوله اثرپذیر (توسعه اقتصاد روستایی)، نتایج نشان می‌دهد که از بین شاخص‌های اثرگذار،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]

به ترتیب شاخص مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی (۰/۷۰۹) و شاخص مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌های کالبدی- فضایی (۰/۴۰۹) بیشترین تأثیر را در میزان توسعه اقتصادی روستاهای محدوده مورد مطالعه داشته‌اند. در مقابل به ترتیب شاخص‌های مشارکت در طرح ها و برنامه‌های اجتماعی- فرهنگی (۰/۱۳۱) و شاخص مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌های محیطی- اکولوژیکی (۰/۱۰۷)، کمترین تأثیر را در میزان توسعه اقتصادی روستاهای محدوده مورد مطالعه داشته‌اند. بنابراین از بین چهار شاخص وارد شده به معادله رگرسیونی، تمامی شاخص‌ها در معادله باقی مانده است.

جدول ۱۳. ضرایب میزان شدت تأثیرات شاخص‌های مقوله اثرگذار و اثرپذیر در محدوده مورد مطالعه

مدل	شاخص‌ها	ضریب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	T	سطح معناداری
		خطای استاندارد	B	β		Sig
۱	طرح ها و برنامه‌های محیطی- اکولوژکی	۰/۱۱۳	۰/۰۰۹	۰/۱۰۷	۱/۲۸۱	۰/۰۲۴
	طرح‌ها و برنامه‌های اجتماعی- فرهنگی	۰/۱۵۴	۰/۰۲۰	۰/۱۳۱	۷/۵۸۲	۰/۰۰۰
	طرح ها و برنامه‌های اقتصادی	۰/۶۰۶	۰/۰۴۱	۰/۷۰۹	۱۴/۶۸۰	۰/۰۰۰
	طرح‌ها و برنامه‌های کالبدی- فضایی	۰/۴۱۵	۰/۰۳۳	۰/۴۰۹	۱۲/۶۵۵	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

۵) نتیجه‌گیری

ارتقای شاخص‌های سرمایه اجتماعی می‌تواند از طریق بهبود عملکرد درونی مدیریت محلی در ارتباط با ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی مدیران، بسترساز بهبود مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های محیطی- اکولوژیکی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و کالبدی- فضایی در فرآیند توسعه اقتصاد روستایی باشد. بر این شالوده، این تحقیق، با هدف بررسی جایگاه مدیریت محلی در ارتقای سرمایه اجتماعی و بهبود مشارکت ذی‌نفعان محلی در فراگرد توسعه اقتصاد روستایی در روستاهای شهرستان بانه انجام شد. در این راستا سه فرضیه مورد آزمون قرار گرفت. در فرضیه اول، عملکرد درونی مدیریت محلی دارای تأثیر معنادار بر ابعاد سرمایه اجتماعی است. این نتایج با یافته‌های محققانی مانند شتیفان و همکارانش (۲۰۰۴)، ایبیتان (۲۰۱۰) و سیستو و همکارانش (۲۰۱۸) که بهبود عملکرد مدیریت محلی را از طریق مدیریت تعاملی و مشارکتی، پرهیز از سیاست‌های تمرکزگرایانه، تفویض اختیار، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، ارتقای سطح آگاهی و آموزش، تعلق خاطر و ارتقای انگیزه، عاملی برای ایجاد رضایت و اعتماد متقابل در میان جوامع محلی، به منظور شکل‌گیری سرمایه اجتماعی قلمداد می‌کنند، مطابقت دارد. همچنین با یافته‌های پاتنام (۱۹۹۳) و سویلهووا و کوبیسووا (۲۰۱۴) و میانگ و سئو (۲۰۱۶) که نتیجه می‌گیرند بهبود عملکرد مدیریت محلی، عاملی برای تولید ساختارهای دموکراتیک در جامعه محلی بوده که با تقویت شکل ساختاری سرمایه اجتماعی و جنبه‌های فرهنگی- شناختی، همچون اعتماد و هنجارهای مشترک در بین جوامع محلی، زمینه‌ساز تقویت توسعه اقتصادی خواهد شد، همسویی دارد.

در فرضیه دوم؛ بهبود ابعاد سرمایه اجتماعی برای بهبود مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]

برنامه‌های توسعه روستایی، در ابعاد محیطی- اکولوژیکی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و کالبدی- فضایی سنجیده شد؛ که نتایج نشان از تأیید این رابطه دارد. به سخن دیگر، یافته‌ها با وجود معناداری، بیانگر پایین بودن میزان ابعاد اثرگذار مقوله سرمایه اجتماعی در محدوده مورد مطالعه بوده که باعث پایین بودن میزان استقبال و مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی در ابعاد محیطی- اکولوژیکی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و کالبدی- فضایی، در محدوده مورد مطالعه شده و مبین نامطلوب بودن و پایین بودن میزان بهبود شاخص‌های هر دو مقوله اثرگذار و اثرپذیر در این فرضیه است. این نتیجه با یافته‌های وارنر (۲۰۰۱) و سیستو و همکارانش (۲۰۱۸) که سرمایه اجتماعی را عاملی برای اعتماد اجتماعی، انسجام و شکل‌گیری گروه‌های اقدام محلی و شبکه ذی‌نفعان محلی، برای بهبود مشارکت روستاییان در طرح‌ها و پروژه‌های عملیاتی و بهبود توسعه مناطق روستایی قلمداد می‌کنند، مطابقت دارد.

در فرضیه سوم؛ بهبود مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های محیطی- اکولوژیک، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و کالبدی- فضایی دارای تأثیر معنادار بر توسعه اقتصاد روستایی در منطقه مورد مطالعه است. یافته‌ها با وجود معناداری بیانگر پایین بودن میزان مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی بوده که منجر شده در منطقه مورد مطالعه، توسعه اقتصادی روستایی مطلوب نبوده و بهبود پیدا نکرده است. این نتایج با یافته‌های محققانی مانند یوکویاما و ساکورا (۲۰۰۶) و توک و همکارانش (۲۰۱۷) که مشارکت داوطلبانه و آگاهانه ذی‌نفعان محلی را در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی، عاملی ضروری در توسعه اجتماعی و اقتصادی روستاها قلمداد می‌کنند، مطابقت دارد.

براین شالوده، تمامی فرضیه‌های این پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرند. شایان ذکر است؛ که نوع اثرگذاری عملکرد درونی مدیریت محلی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت ذی‌نفعان محلی در فراگرد توسعه اقتصاد روستایی در منطقه مورد مطالعه، در یک روند نزولی- کاهشی قرار دارد. به این معنا که عملکرد مدیریت محلی در محدوده مورد مطالعه در وضعیت نامساعدی بوده و باعث پایین بودن میزان ارتقای شاخص‌های سرمایه اجتماعی شده است. در نتیجه میزان مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی ضعیف بوده و در وضعیت اقتصادی روستاهای محدوده مورد مطالعه بهبودی حاصل نشده و توسعه‌ای از لحاظ اقتصادی محقق نشده است. به سخن دیگر، بر اساس واکاوی ادبیات موضوع، شیوه و رویکرد مدیریت محلی در ایران، مبتنی بر رویکرد « حکومت‌محور» بوده و کم‌توجهی به رویکردهای اجتماع‌محور در عرصه مدیریت محلی، منجر به نادیده گرفتن نقش سرمایه اجتماعی و مشارکت ذی‌نفعان محلی و هسته‌های خط‌دهنده در طرح‌ها و برنامه‌ها در فرآیند توسعه اقتصاد روستایی شده که به نوعی بر یافته‌های این پژوهش صحه می‌گذارد. به سخن دیگر، در رویکرد فعلی مدیریت محلی، سرمایه اجتماعی، به جای «مشارکت مولد و فعالانه» ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌ها، به « مشارکت نامولد و منفعلانه» آن‌ها در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی می‌انجامد. در نتیجه مدیریت محلی مبتنی بر رویکرد « حکومت‌محور» و از « بالا به پایین» نتوانسته زمینه‌های ارتقای آگاهی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]

اجتماعی، انسجام اجتماعی، تشکل اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی و بهبود مشارکت اجتماعی ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی را در فرآیند توسعه اقتصادی روستاها فراهم آورد. چرا که زمانی می‌توان انتظار داشت که برنامه‌ریزی توسعه در ریل و مسیر توسعه روستایی قرار گیرد، که روستاییان در طرح‌ها و برنامه‌هایی که مستقیماً در سرنوشت آن‌ها اثرگذار و دخیل است، مشارکت داوطلبانه و آگاهانه داشته باشند. این امر نه تنها یک مسئله اخلاقی تلقی شده، بلکه ارزش‌های انسان‌محور بودن طرح‌ها و برنامه‌ها را نیز در فرآیند توسعه اقتصاد روستاها منعکس می‌کند. بنابراین، با توجه به نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر، تغییر و اصلاح رویکرد حاکم بر نظام مدیریت روستایی و گذار از وضعیت مدیریت آمرانه و تمرکزگرایانه به مدیریت مشارکتی و تمرکززدا، توجه به عوامل تسهیل‌کننده عملکرد مدیریت محلی همچون افزایش سطح آگاهی و دانش، تقویت انگیزه و حس تعلق مکانی، افزایش میزان رضایت و تقویت امنیت شغلی مدیران محلی، تقویت حس مسئولیت‌پذیری و تعهد سازمانی و تفویض اختیار و مسئولیت‌دهی به روستاییان، به منظور ارتقای سرمایه اجتماعی و بهبود مشارکت ذی‌نفعان محلی در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی، در فرآیند توسعه اقتصاد روستایی، در ایران و محدوده مورد مطالعه، مورد تأکید است.

۶) منابع

- حیدری ساربان، وکیل، (۱۳۹۷)، **اثرات سرمایه اجتماعی بر اقتصاد نواحی روستایی شهرستان آستارا**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۷، شماره ۳، صص ۱۲۳-۱۴۴.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، سمیرا محمودی، غلامرضا غفاری و مهدی پورطاهری، (۱۳۹۴)، **تبیین الگوی فضایی سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار روستایی، مورد: روستاهای استان خراسان رضوی**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۴، شماره ۱، صص ۸۷-۱۰۷.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۵) **سرشماری عمومی نفوس و مسکن**، استان کردستان، شهرستان بانه.
- Ahrweiler, P. and Keane, M., 2013, **Innovation Networks**, Mind & Society 12, pp.73–90, DOI 10.1007/s11299-013-0123-7
- Akcomak, E.S., 2009, **the Impact of Social Capital on Economic and Social Outcomes**, Universities Press Maastricht.
- Barkin, D., 2000, **Local Governance: A Model of Sustainable Rural Resource Management for The Third World**, Agriculture Resource, Governance and Ecology, Vol. 1, pp. 43-55
- Bourdieu, P, 1986, **The Forms of Capital, In J. G. Richardson** (end), Handbook of Theory and Research for The Sociology of Education, New York: LONDON: Greenwood Press
- Bradford, A., 2016, **Community Engagement and local Government**, Masters by Research thesis, School of Management, Operations and Marketing, University of Wollongong, https://ro.uow.edu.au/theses/4881
- Chakrabarty, B.K, 2001, **Urban Management: Concepts, Principles, Techniques and Education**, Cities, Vol 18, No 5, pp. 331-345
- Chilima, G., Nkhoma, B., Charul, G., Mulwafu, W, 2002, **Community Based Management Approach in the Management of Water Resource by Different Organization in the Lake Chilwa Basin Malawi**, University and Government Report. Malawi :university of Malawi.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]

- Cloete, A., 2014, Social cohesion and social capital: Possible Implications for the Common Good, verbum ET ecclesia 35 (3), art. 1331, pp.1-6
- Cusack, T., 1999, Social Capital, **Institutional Structures and Democratic Performance: A Comparative Study of German local Governments,** European Journal of Political Research 35(1), pp.1-34
- Cvetanovic, S., Despotovic, D. and Filipovic, M., 2016, The Concept of Social Capital in Economic Theory, Economic, Vol 61, Issue 1, pp. 73-84
- Dinbabo, M.F, 2003, **Development Theories, Participatory Approaches and Community Development**, https://www.researchgate.net/publication/319316323
- Ferris, S.p., Javakhadze, D., Rajkovic, 2017, **An International Analysis of CEO Social Capital and Corporate Risk-Taking**, European Financial Management, Euro Finance Manga, pp. 3–37
- Ferlander, S. and Timms, D., 2001, **Local Nets and Social Capital**, Telematics and Informatics 18 (2001),pp. 51–65
- Fernando, J., Garrigos-Simon, M., Botella-Carrubi, D., Tomas, F. and Gonzalez-Cruz, 2018, **Social Capital, Human Capital, and Sustainability: A Bibliometric and Visualization Analysis**, Sustainability journal, 10, p 4751
- Horlings, I. And Padt, F, 2013, **Leadership for sustainable regional development in rural areas: bridging personal and institutional aspects**, Vol 21, Issue 6, pp. 413-424.
- Huynh, S.V. And Prof, A, 2018, **Social Awareness and Responsible Decision Making of Student in Grade 4 and 5 in Vietnam**, Journal of Education and Human Development, Vol 7, No 4, pp. 7-15
- Ibietan, J., 2010, **The Role of Local Government in Rural Development Issues**, Knowledge Review, Vol. 20, No 2, pp. 30-38
- Illies, R, 2003, **Organization Behavior**, Available on: www.studies_online.org.
- Janmaat, J.G., 2011, **Social Cohesion as Real-Life Phenomenon: Assessing the Explanatory Power of the Universalist and Particularize Perspective**, Social Indicators Research 100, pp. 61-83
- Kalolo, A., Mazalale, J., Krumeich, A. and Chenault, m, 2019, **social cohesion, social trust, social participation and sexual behaviors of adolescents in rural Tanzania**, BMC Public Health, available on: https://doi.org/10.1186/s12889-019-6428-7
- King, B., Fielkeb, S., Bayne, K., Klerkx, L. and Nettle, R, 2019, **Navigating Shades of Social Capital and Trust to Leverage Opportunities for Rural Innovation**, Journal of Rural Studies, available on: https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2019.02.003
- Khanh, H. L. P., 2011, **The Role of Social Capital to Access Rural Credit: A case study at Dinh Cu and Van Quat Dong village in coastal of Thua Thien Hue province-Vietnam**, Department of Urban and Rural Development, Swedish University of Agricultural sciences, Master Thesis No(56)
- Kuchler, M, 2015, **Stockholding as Sorting of Actors into Categories: Implications for Civil Society Participation in the CDM**, International Environmental Agreements: Politics, Law and Economics, 15, PP. 1–18
- Kvartiuk, V. and Curtiss, J, 2019, Participatory Rural Development Without Participation: Insights From Ukraine, Journal of Rural Studies 69, pp. 76-86
- Lazaro, B. And Théry, M, 2019, **Empowering communities? Local stakeholders' participation in the Clean Development Mechanism in Latin America**. World Development 114,pp. 254- 266
- Ljung, M., 2014, **Social Capital and Political Institution: Evidence that Democracy Fosters Trust**, Economics Letters, 122, pp. 44-49.
- Merton, R.K., 2005, **Sociological Structure and Economic**, American Sociological Review, 3/5, 1935, pp. 382-672
- McIntosh, M.A., 2018, **The Sociology of Social Groups and Organization**, Chapter 1: Type of Social Groups, Available on: https://brewminate.com.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]

- Moazen Jamshidi, M.A. And Haghparast Kenarsari, N., 2015, **evaluating the Impact of Social Capital on Employees' Creativity, Case study: Electrical and Electronic Household Appliances Manufacturing Companies in Iran**, Social capital management, pp. 49-74
- Mubita, A., Libati, M. and Mulonda, M., 2017, **The Importance and Limitations of Participation in Development Projects and Programs**, European Scientific Journal, ESJ, 13(5), pp. 238
- Myeong, S. and Seo, h, 2016, **Which Type of Social Capital Matters for Building Trust in Government? Looking for a New Type of Social Capital in the Governance Era**, Sustainability, MDPI, Open Access Journal, vol 8(4), pp. 1-15
- Peris, J. Cebillo-Baque M.A. and Calabuig, C., 2011, **Scrutinizing the Link Between Participatory Governance and Urban Environmental Management**, the Experience in Arequipa during 2003-2006, Habitat international, 35(1), pp. 84-92
- Prof, T.P, 2004**, ICT And E-Governance For Rural Development Center For Electronic Governance**, Indian Institute Of Management, Ahmedabad, p. 134
- Pugalis, L. and Tan, SF, 2017, **The Role of Local Government in Local and Regional Economic Development**, University of Technology Sydney.
- Putnam, R.,1993, **Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy**, Princeton Univ, Press, Princeton, NJ
- Putnam, R., 1995, **Bowling Alone: America's Declining Social Capital**, Journal of Democracy, 6(1), pp. 65-78
- Putnam, R., 2001**, Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community**, New York, NY: Simon and Schuster
- Rakesh, N. And Gupta, R, 2015, **Economic Development: Is Social Capital Persistent**? ffhalshs-01157891.
- Reinhardt, H., Mletzko, CH., Sloep, P.B., Drachsler, H., 2015, **Understanding the Meaning of Awareness in Research Networks**, See Discussions, Stats and Author Profile for this Publication at: http://www. researchgate.net/publication/230640624
- Rivera, M., Knickel, K., Diaz, M.J., Puente and Afonso, A, 2019, **The Role of Social Capital in Agricultural and Rural Development: lessons learnt Srom Case Studies in Seven countries**, Sociologia Ruralis, Vol 59, Number 1
- Sisto, R., Lopolito, A. and Vliet, M., 2018, **Stakeholder Participation in Planning Rural Development Strategies: Using Back casting to support Local Action Groups in complying with CLLD requirements**, Land Use Policy 70, pp. 442-450
- Shatifan, N., Rahmi, Y., Dwidjowijoto, R.N. and Muhamad, A, 2004, **Strengthening Local Governance Central, Sulawesi and North Maluku**, Thematic Assessment, 32(9), pp. 1-33.
- Svihlova, D. And Kubisova, L, 2014, **Role of local government in supporting local social capital**, pp. 286- 299, Available On: https://www.researchgate.net/publication/269231817.
- Taşdemir, D.C., Bahar, A.D., Çayırağası, F, 2017, **A Study on Social Capital Concept, Development and Importance**, International journal of management science and business administration, PP. 52-5
- Teles, f., 2012, **Local Governance, Identity and Social Capital: Framework for Administrative Reform**, Theoretical and Empirical Researches in Urban Management, Vol 7, Issue 4, pp. 20-34.
- Tuke, T., Karunakaran, R and Huka, R., 2017, **Role of Local Government for Community Development A Study in Aleta Wondo Town Administration**, Sidama Zone, SNNPR State, Ethiopia, IOSR Journal of Humanities and Social Science (IOSR-JHSS), Vol 22, Issue 9, Ver 14, pp. 64-71
- Usadolo, S.E. And Caldwel, M, 2016, **A Stakeholder Approach to Community Participation in A Rural Development Project**, Sage Open, 6 (1), pp. 1-9

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]

- Warner, M., 2001, **Building social capital: The Role of local Government**, Journal of Socio-Economics 30, pp. 187–192
- Yokoyama, S and Sakurai, T, 2006, **Potential of Social Capital for Community Development**, Asian Productivity Organization.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1399.9.32.3.8]